

286-118

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان دآوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

۲۸۶-۱۱۸

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 286

Date of filing: 1. May 87

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of Mr Holtzman
- Date 27. APR 87
_____ pages in English 8 pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۲۸۶
شعبه یک
حکم شماره

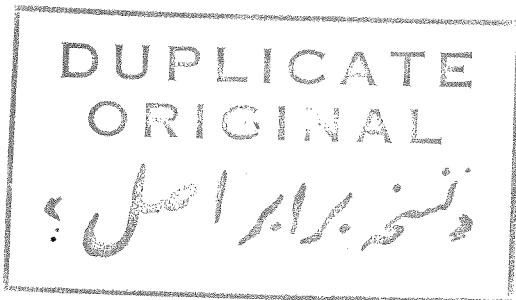
IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ	
ثبت شد - FILED		
Date	1 MAY 1987	تاریخ
	۱۳۶۶ / ۲ / ۱۱	
No.	286	شماره

English version Filed on <u>27.4.87</u> <u>۱۳۶۶/۲/۷</u>	نسخه انگلیسی در تاریخ ثبت شده است.
---	---------------------------------------

ویتکر کورپوریشن،
(برمایت دیویژن)،

خواهان،

- و -



جمهوری اسلامی ایران،
سازمان صنایع دفاع ملی ایران،
خوانندگان.

نظر مخالف قاضی هولتزمن

در این پرونده ویتکر کورپوریشن (برمایت دیویژن) (که منبع "برمایت" خوانده می شود) خسارت ناشی از نفی و نقض قرارداد فروش کالاهای نظامی به سازمان صنایع نظامی (که منبع "صنایع نظامی" خوانده می شود)، سلف سازمان صنایع دفاع ملی ایران

(که منبعد "صنایع دفاع ملی" خوانده می شود) را مطالبه می نماید. در حکم این پرونده اکثریت (۱) براین عقیده است که هیچ نوع خسارتی قابل پرداخت نیست زیرا صنایع نظامی قرارداد را نقض نکرده، بلکه قرارداد با توافق متقابل طرفین لغو شده است. با این نتیجه گیری، حکم صادره در این پرونده نه تنها تعبیر نادرستی از مدارک تجاری اصلی مورد اختلاف، به عمل می آورد، بلکه تفسیری را نیز می پذیرد که تنها با این فرض غیرقابل دفاع که برمائیت عمداً برخلاف منافع تجاری خود عمل نموده است می توان بدان دست یافت. بنابراین، نتیجه حاصله نادرست و

(۱) در این پرونده اکثریت عبارت بود از رئیس شعبه و قاضی مصطفوی و با وجود اینکه قاضی مصطفوی در استعفانامه خود خطاب به رئیس دیوان نوشته بود: "چون بلحاظ مشکلات شخصی از ادامه کار در دیوان معذور می باشم، استعفای خود را تقدیم می کنم. موافقت دولت متبوع اینجانب با استعفاء نیز حاصل است. ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۶ [اول آوریل ۱۹۸۷] تاریخ مناسب برای استعفای اینجانب خواهد بود." مع الوصف ایشان باید به عنوان داور مربوطه، حکم صادره در این پرونده را امضاء می کرد.

در ماده ۱۳ قواعد دیوان احتمال استعفای داوران پیش بینی و روشهای انتصاب جانشین تعیین شده است. در مورد استعفای قاضی مصطفوی دیوان عمومی به پیروی از رویه^۶ سابق خود تصمیم گرفت که (یک) استعفا باید به دیوان تسلیم شده و مورد رسیدگی قرار گیرد، (دو) تا زمانی که دیوان استعفا را قبول نکرده، استعفا قطعی نیست، (سه) تاریخ قطعیت استعفا، تاریخ پیشنهادی داور مستعفی نبوده بلکه تاریخی است که دیوان تعیین می کند، و (چهار) استعفای قاضی مصطفوی هنگامی قطعیت می یابد که جانشین وی منصوب شده و وظایف محوله را برعهده گیرد. چون تا تاریخ امضای حکم جانشینی منصوب نشده بود، بنابراین استعفای قاضی مصطفوی در آن تاریخ قطعیت نیافته بود.

بالاخره، باید متذکر شد که حتی اگر استعفای قاضی مصطفوی در تاریخ امضای حکم قطعیت یافته بود، باز هم بموجب بند ۵ ماده ۱۳ قواعد دیوان مبنی بر اینکه "پس از تاریخ قطعی استعفای یک داور، وی هم چنان به عنوان داور در رابطه با کلیه پرونده هائی که در استماع ماهوی آنها شرکت داشته انجام وظیفه خواهد کرد..." ایشان داوری بود که می بایستی حکم صادره در این پرونده را امضاء می کرد. شرط مزبور در قواعد داوری آنسترال که مبنای قواعد دیوان است، وجود ندارد، لکن دیوان داوری با استفاده از اختیاراتی که به موجب بند ۲ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی دارد، شرط مزبور را به قواعد خود اضافه نموده است.

غیرواقع‌بینانه است. (۲)

اول

برای درک اشتباهات موجود در حکم، لازم است سابقه این اختلاف به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

همانطور که در حکم به تفصیل آمده است، در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲۹ تیرماه ۱۳۵۷) برمایت و صنایع نظامی قراردادی منعقد نمودند که به موجب آن قرار بود برمایت -/۱,۵۰۰,۰۰۰ عدد فیوز در یکی از بنادر ساحل شرقی ایالات متحده امریکا تحویل دهد. قرار بود فیوزها به یک شرکت کشتیرانی ایرانی متعلق به دولت تحویل داده شود، تا آنها را با کشتی به بندر شاهپور در ایران حمل نماید. بهای فیوزها -/۱,۱۹۲,۵۰۰ دلار و تاریخ تحویل کلیه آنها ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ (نهم اسفندماه ۱۳۵۷) بود. (۳)

(۲) لازم به تذکر است که حکم صادره، با امتناع از تصمیم‌گیری در مورد "پابرجا بودن" ادعا در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دیماه ۱۳۵۹]، بدانگونه که در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر گردیده، موضوع مقدماتی صلاحیت را نادیده می‌گیرد. دلیل این عمل آنست که چون ادعا از نظر ماهوی رد شده است، تصمیم‌گیری در مورد "پابرجا بودن" آن لزومی ندارد. این جانب بر اساس سوابق موجود در دیوان، چنین نظر می‌دادم که صرف‌نظر از تفسیرهای متفاوت طرفین در مورد به وجود آمدن ادعا، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دیماه ۱۳۵۹] مناقشه یا ادعائی بین طرفین وجود داشته است و نامه‌ها و تلکسهای متبادله بین طرفین در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ کاملاً این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. بنابراین، اینجانب نظر می‌دادم که ادعا "پابرجا" بوده و لذا دیوان دآوری نسبت به آن صلاحیت دارد.

(۳) صنایع نظامی اظهار داشته است که قرار بود فیوزها در سه محموله جداگانه پانصد هزار تائی به ترتیب در تاریخهای ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ (دهم دیماه ۱۳۵۷)، ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) و ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ (نهم اسفندماه ۱۳۵۷) یا مقارن آن

در اوائل سال ۱۹۷۹ برمایت اطلاع یافت که به علت آشفته‌گی های دوران انقلاب، بندر شاهپور محموله ای قبول نمی کند و بانک مرکزی در اثر اعتصاب تعطیل شده و نمی تواند وجهی بپردازد. برمایت در نامه مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ (دهم بهمن ماه ۱۳۵۷) نگرانی خود در مورد این اوضاع و احوال را به اطلاع صنایع نظامی رسانده و اعلام نمود که تحت شرایط مزبور، قادر به تحویل فیوزها نمی باشد. از این رو، برمایت از صنایع نظامی درخواست نمود برای پرداخت بهای فیوزها اعتبار اسنادی موجود را تمدید نموده، برمایت را از وضع عملیات بندر آگاه ساخته و از بانک مرکزی بخواهد پیش پرداختی به بانک ابلاغ کننده برمایت بپردازد. صنایع نظامی پاسخی به این نامه نداد و بعد از آن، برمایت در تاریخهای ۸ و ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ (۱۹ و ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) نامه های مشابهی به صنایع نظامی ارسال داشت. از آنجا که برمایت هنوز هم خبری از صنایع نظامی دریافت نکرده بود، در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ (هشتم اسفندماه ۱۳۵۷)، یعنی یک روز قبل از تاریخ تحویل فیوزها، تلکسی به صنایع نظامی مخابره کرده و در آن نگرانی ها و درخواستهای خود برای دریافت اطلاعات را تکرار نمود.

۲۸ فوریه ۱۹۷۹ (نهم اسفندماه ۱۳۵۷) هم گذشت و برمایت خبری از صنایع نظامی دریافت نکرد. سه ماه بعد، در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۷۹ (پنجم خردادماه ۱۳۵۸) صنایع نظامی تلکسی به برمایت مخابره کرده و در آن متذکر شد: "نظر به برخی تغییرات حاصله

ادامه زیر نویس شماره (۳) از صفحه قبل

تاریخها تحویل داده شود. اما، مدارک قانع کننده نشان می دهد که تفاهم متقابل طرفین آن بوده که کلیه ۱،۵۰۰،۰۰۰/- عدد فیوز بصورت یک محموله واحد تا ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ (نهم اسفندماه ۱۳۵۷) حمل شود. در واقع، برمایت در نامه مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۷) خود به صنایع نظامی اطلاع داد که کلیه ۱،۵۰۰،۰۰۰/- عدد فیوز را "طبق برنامه اولیه" تا ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ (نهم اسفندماه ۱۳۵۷) حمل خواهد نمود. (خط تاکید اضافه شده است) رفتار صنایع نظامی قبل و بعد از تاریخ این نامه مبین توافق آن سازمان با برنامه مذکور می باشد.

(کذا) در روش عادی تولید به اجناس ... نیاز نداریم ...» (خط تاکید اضافه شده است). سپس برمایت به منظور کاستن از میزان ضرر، سعی نمود فیوزها را به مشتریان دیگر بفروشد و سرانجام موفق به اینکار شد و قرار شد که فیوزها را بین ماههای اکتبر ۱۹۷۹ و ژوئن ۱۹۸۰ تحویل دهد، و تا هنگام تحویل به مشتریان دیگر، برمایت مخارج انبارداری مطمئن فیوزهای قابل انفجار خطرناک را پرداخت نمود.

دوم

اکثریت براساس این نظر بسیار شگفت انگیز که بدون آنکه صنایع نظامی وجهی بپردازد، برمایت داوطلبانه حاضر شده قرارداد را لغو نماید، ادعای برمایت را رد می کند. اکثریت این استنباط را با تعبیر نادرست از دو نامه‌ای که برمایت در فوریه ۱۹۷۹ به صنایع نظامی نوشته، بدست می آورد. باید بخاطر داشت که با نزدیک شدن تاریخ تحویل فیوزها، برمایت به منظور کسب اطلاع از امکان حمل کالاها و پرداخت پول، چندین نامه به صنایع نظامی ارسال داشت. از جمله نامه‌های ارسالی، نامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ (۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷) بود که برمایت ضمن آن ابراز نگرانی کرده و از صنایع نظامی در مورد اجرای قرارداد تضمین‌هایی خواسته بود. برمایت در این نامه هم چنین سوال نموده بود که آیا صنایع نظامی هنوز به تحویل فیوزها علاقمند است و یا اینکه ترجیح می دهد «کتبا» سفارش فوق را بکلی لغو کند؟» در تلکسی که برمایت در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ (هشتم اسفندماه ۱۳۵۷) پیرو نامه مزبور مخابره نمود مجدداً متذکر شد که اگر صنایع نظامی علاقمند به تحویل فیوزهاست باید تضمین کند که اعتصاب بانک مرکزی مانع از پرداخت نخواهد شد و چنانچه نخواهد فیوزها را تحویل بگیرد باید «سفارش را لغو کند». برمایت در واقع می گفت که چنانچه صنایع نظامی مایل به اجرای قرارداد نباشد می تواند بوسیله لغو فوری سفارش، خسارات را کاهش دهد و با این اقدام به برمایت امکان دهد که مشتریان دیگری یافته و مخارج انبارداری و دیگر مخارج خود را کاهش دهد.

برمایت نه گفته، نه تلویحا" فهمانده و نه قصد آنرا داشته که اگر صنایع نظامی سفارش را بدون پرداخت وجهی لغو کند، در قبال جبران خسارات قراردادی ناشی از این ابطال مسئولیتی نخواهد داشت. این تعبیر که برمایت در نامه های مورخ ۱۳ و ۲۷ فوریه خود (۲۴ بهمن ماه و هشتم اسفندماه) تلویحا" صنایع نظامی را از پرداخت مخارج مبری نموده، بدانگونه که در حکم آمده است، مانند این است که به غلط فرض شود که برمایت برخلاف منافع تجاری خود عمل نموده و به صنایع نظامی اجازه داده است که بدون پرداخت وجهی از تعهدات قراردادی خود شانه خالی نموده و برمایت را به حال خود گذارد تا ریسک یافتن مشتریان دیگری برای فیوزها و نیز پرداخت مخارج انبار نمودن کالائی خطرناک را برای مدتی نامعلوم تقبل نماید. در این مورد، باید توجه داشت که در اینکه برمایت ظرفیت تولید بلااستفاده برای انجام سفارشات احتمالی سایر مشتریان داشته، بحثی نیست، و در واقع برمایت طی چندین ماه نمی توانست مشتریان دیگری برای خریداری فیوزهایی که برای ایران ساخته بود، بیابد.

ولی حتی به فرض این که برمایت به صنایع نظامی اختیار لغو قرارداد را بدون پرداخت وجهی داده باشد، صنایع نظامی هرگز این پیشنهاد را قبول نکرد. صنایع نظامی از ۲۷ فوریه تا ۲۶ مه ۱۹۷۹ (هشتم اسفندماه ۱۳۵۷ تا پنجم خردادماه ۱۳۵۸) کاملاً سکوت کرد. اوضاع و احوال ماه فوریه ایجاب می نمود که برمایت فوراً" بداند که آیا صنایع نظامی قرارداد را اجرا خواهد کرد یا خیر، و در چنین اوضاع و احوالی غیرقابل تصور است که برمایت، بدانگونه که در حکم آمده است، قصد داشته "مهلتی برای پذیرش پیشنهاد" خود معین ننماید. اینکه سکوت معمولاً" در حکم قبول پیشنهاد نیست(۴)

(۴)

See, e.g., E. Farnsworth, Contracts section 3.15 (1982); J. Calamari & J. Perillo, Contracts, section 31 (1970); A. Guest, Anson's Law of Contract 38 (26th ed. 1984); J. Honnold, Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention 536 (1982); E. cohn, Manual of German Law para. 160 (1968).

امری پذیرفته شده است، قبولی معمولاً باید متضمن اعلام صریح و بدون ابهامی بوده و در مدت زمان معقولی به پیشنهاد کننده ابلاغ شود. اکثریت به دلیل شرایط موجود در ایران، سعی می کند که سکوت سه ماهه صنایع نظامی را توجیه نماید. ولی، این دفاعی است که نه تنها هرگز بوسیله صنایع نظامی ارائه نشد، بلکه ثابت نیز نگردیده است. سرانجام، هنگامی که صنایع نظامی در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۷۹ (پنجم خردادماه ۱۳۵۸) تلکسی به برمایت فرستاد، نه تنها به هیچ پیشنهادی از طرف برمایت اشاره‌ای نکرد و قصد خود را بر قبول هیچ پیشنهادی را ابراز ننمود، بلکه در تلکس با ذکر اینکه "به اجناس نیاز نداریم" به سادگی قرارداد را رد و نفی کرد.

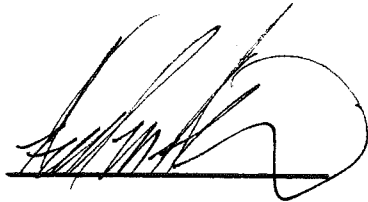
بالاخره، اکثریت بر مبنای این واقعیت که برمایت پس از رد و نفی قرارداد بوسیله صنایع نظامی، بلافاصله تقاضای خسارت ننموده، تلاش می کند که تاییدی برای نتیجه گیری خود بیابد. لیکن، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال موجود، رفتار برمایت هم قابل فهم و هم منطقی بوده است. در مقابل ناسازگاری صنایع نظامی و با ملاحظه شرایط موجود در ایران بعد از انقلاب، برمایت معتقد بود که مطالبه خسارت امری عبث خواهد بود. ولی، هنگامی که در سال ۱۹۸۱ بیانیه حل و فصل دعاوی اولین طریق عملی برای اقامه دعوی را فراهم آورد، برمایت فوراً این ادعا را طرح نمود.

سوم

بطور خلاصه، در حکم صادره در این پرونده مکاتبات تجاری فیما بین به غلط تفسیر شده است. در حکم، سخن از پیشنهاد برمایت برای برائت ذمه صنایع نظامی از تعهدات قراردادی به میان آمده، که هرگز داده نشده و از قبولی صنایع نظامی صحبت شده، که هرگز ابراز نگشته است. بر این اساس ناقص، در حکم نتیجه گرفته می شود که قرارداد در اثر توافق متقابل طرفین فسخ شده و ادعای برمایت بابت خسارات ناشی از نقض

قرارداد بوسیله صنایع نظامی مردود است. اکثریت برای رسیدن به این نتیجه، به هیچگونه دلیل مثبتی تجاری که چرا بر مایت به صنایع نظامی پیشنهاد نموده بدون جبران خسارات ناشی از قرارداد از تعهدات خود شانه خالی نماید، توجه نمی کند. متأسفانه در این پرونده نیز مانند پرونده ارونوترانیک اورسیز سرویسز، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، بندهای ۲۹ تا ۴۸ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۱۵۸-۲۳۸ مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ [۳۰ خردادماه ۱۳۶۵] اکثریت به تجزیه و تحلیل متن می پردازد که الزاماً "فرض بر آن دارد که خواهان عملاً" برخلاف منافع تجاری خود و عقل سلیم عمل نموده است. رجوع شود به نظر مخالف قاضی هولتزن در رابطه با دعاوی تجدید مهندسی و تاخیرات ارونوترانیک اورسیز سرویسز، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران در ص ۷ و ۶ [متن انگلیسی] حکم شماره ۱-۱۵۸-۲۳۸ مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۶ [۳۰ خردادماه ۱۳۶۵]. مدارک تجاری نباید بدانگونه تفسیر شود که آشکارا به چنان نتایج غیرمنطقی بیانجامد. (۵)

لاسه، به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۷ برابر با دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶



هوارد ام. هولتزن

(۵) اینکه دیوانهای داوری باید هنگام قضاوت در مورد معاملات بازرگانی به حقایق تجاری توجه نمایند، ایده جدیدی نیست. در واقع، از آنجا که مقر این دیوان در لاهه می باشد، به جا است که توصیه متناسب به یوهان دو ویت را بخاطر بیاوریم که می گوید "در هر شهر باید لااقل یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به امور خریداران و فروشندگان وجود داشته باشد... تا قضاتی که بهتر به راه و رسم تجارت واقفند، بتوانند بهتر قضاوت نموده و عدالت را اجرا کنند..."

The True Interest and Political Maxims of the Republic of Holland and West-Friesland 131 (London 1702) (English translation of P. de la Court, Interest van Holland (1662)).